

وحد کوجہ مشکی
نگاه دیپلماتیک

اعتراف رسانه های بیگانه به دستاوردهای انقلاب اسلامی

رسانه های بیگانه اغلب با نگاهی مغرضانه به دستاوردهای سی ساله انقلاب اسلامی ملت ایران نگریده‌اند و بیشتر تلاش داشته اند تا خش مهمی از دستاوردهای نظام مقدس جمهوری اسلامی را از دید افکار عمومی جهان پپوشانند.این رسانه هابا درک این مهم که انقلاب اسلامی و نظام مردمسالاری دینی قابلیت الگو سازی در کشورهای جهان و برانگیختن مستضعفین عالم علیه ظلم و ستمی که بر آنها روا می رود را داراست لذا تمام تلاش خود را برای جلوگیری از انعکاس و بازتاب اخبار انقلاب اسلامی به کار می گیرند.

ایران درسی سال گذشته علی رغم فشارهای خارجی، پشت سر گذارندن ۸سال جنگ تحمیلی، تحریم های اقتصادی و فعالیت های مختلف براندازی دشمنان نظام آن، درداخل وخارج، به پیشرفت های گوناگونی درعرصه های متعدد دست یافته است.

مسئلا تمامی این پیشرفتها دستاوردهای بزرگی برای انقلابی محسوب می گردد که سی سال پیش با رهبری حضرت امام خمینی (ره) اتفاق افتاد وتاکنون با رهبری های داهیهانه خلف صالح ایشان، حضرت امام خامنه ای همچنان قدرتمندانه به پیش می تازد.

اسمال برخی رسانه ها در سی سالگی انقلاب اسلامی ناچار به اذعان به برخی واقعیتها شدند که به عنوان نمونه می توان به دو شبکه بی بی سی و الجزیره انگلیسی اشاره کرد.

شبکه های تلویزیونی بی بی سی و الجزیره انگلیسی به مناسب سالگرد سی امین سالگرد انقلاب اسلامی گزارشهای ویژه ای را در این



زمینه پخش کردند.

تلویزیون انگلیسی زبان بی، بی.سی. گفت: به نظر تحلیلگران بین‌المللی رهبری امام خمینی (ره)باعث دگرگونی مسیر ایران در صحنه تاریخ شد.

بی، بی سی، در حالی که صحنه هایی از تظاهرات طرفداران امام خمینی (ره) را در سی سال پیش در آستانه ورود وی به تهران نشان می داد، گفت: آیت … خمینی از زمان تبعید خود در پاریس نفوذ کلام خود را در مطبوعات غربی بنا نهاد و از این طریق توانست که پیروان زیادی را در ایران بوجود آورد.

ورودامام خمینی (ره)به تهران ضربه‌ای بزرگ بر قدرت و اعتبار آمریکا در خاور میانه وارد ساخت و سرآغاز رویارویی با غرب را فراهم ساخت.

خبرنگار بخش انگلیسی تلویزیون الجزیره نیز گزارشی را به همین مناسبت از تهران پخش و خاطر نشان کرد: امام خمینی (ره)مردی که سی سال پیش به ایران بازگشت و مسیر تاریخی ایران را تغییر داد.

بسیاری از ایرانیها در آن زمان احساس می کردند که شاه بسیاری از ارزشهای اسلامی را با طرفداری از عقاید غربی کنار گذاشته است.

آنها قدرت شاه را پویشالی می دانستند و معتقد بودند که متحدان وی یعنی آمریکا و انگلیس هم به تاراج منابع ملی کشور مشغول هستند. شاه بااعمال سیاستهای خودو گسترش فساد در کشور از مردم منزوی شد و با شدت گرفتن این اثرها در نظر بسیاری از ایرانیان آیت… خمینی را تنها جایگزین شاه دیدند.

الجزیره سپس به نقل از آقای کروی گفت که بسیاری از روحانیونی که مخالف شاه بودند به خاطر ایستادگی هاو جاذبه شخصیتی امام (ره)به دور او جمع شدند.اقدامات او مورد توجه مردم قرار گرفت و وی به عنوان یک رهبر زمام امور را به دست گرفت.

آیت … خمینی به غرب پشت کرد و به پاسخگویی به مشکلات کشور با استفاده از ارزشهای اسلامی همت گماشت.



اشاره:
همواره مهم‌ترین عاملی که می تواند راه دستیابی به قدرت را آسان نماید، ایجاد درگیری و بحران سرزمینی بویژه در سرزمین های مشترک می باشد.
ایران و عراق نیز دو سرزمینی هستند که به دلیل داشتن شرایط ویژه و پر خورنداری از مرزهای مشترک، دین و مذهب مشترک و استفاده مشترک از آب و آلوده، مورد توجه قدرتمندان جهانی قرار گرفته اند و همواره آماج حملات و حربه های آنان، گر دیده اند. آمریکا با ایجاد اغتشاش و بحران در منطقه سعی در تیره گشتن روابط فیما بین دو دولت ایران و عراق داشته و در این راستا از موفقیت ژئوپلیتیکی نیز بهره جسته اند. مقاله حاضر با توجه به این مهم در پی بررسی رابطه و موقعیت ژئوپلیتیکی و قومیت‌نژادی و اقلیت های قومی در ایجاد درگیری داخلی و خارجی می باشد. و در پی شناسایی عوامل تاثیر گذار بر بحران های سرزمینی می باشد.

مسئله قدرت سیاسی، توانایی نظامی کشورها و دولت‌ها از گذشته های دور مورد توجه صاحبان قدرت و سلطه شاهان و حتی اندیشمندان و فلاسفه بوده است. همه آنان تلاش می کردند تا عوامل موثر در شکل دهی و ایجاد و یا افزایش دهنده قدرت و توانایی کشورها را شناسایی نموده و سپس به نحو احسن و مطلوب از آن بهره برداری نمایند. در گذشته اکثر جوامع قدرت و توان کشور و یا دولتی را با وسعت و جمعیت آن ارزیابی می کردند و لذا تلاش می نمودند تا سرزمین های بیشتر و وسیع تری و نتیجا جمعیت بیشتری را تحت سلطه و حاکمیت خود در آورند تا از این طریق نیروی نظامی و چنگی بسیاری را گردآوری نموده و آنها را مسلح سازند.

نیروی انسانی در ارتش‌ها و سیاست نظامی همچون گذشته نقش چندان پراهمیتی نداشتند مسئله این است که آیا وسعت(حاکم) و جمعیت می تواند در افزایش توان نظامی ارزشمند باشد. آیا موقعیت جغرافیایی یک کشور از وسعت و جمعیت آن از نظر قدرت و امنیت سیاسی در یک منطقه برتری داردو آیا ممکن است موقعیت جغرافیایی باعث اختلاف و درگیری داخلی شود؟
موقعیت ژئوپلیتیکی چه نقشی در برتری کشورها دارد؟
ایا موقعیت ژئوپلیتیکی عراق در حمله این کشور به ایران موثر بوده است؟
ایا این موقعیت ژئوپلیتیکی و قومیت‌نژادی و اقلیت های قومی در ایجاد درگیری داخلی و خارجی رابطه وجود دارد؟

و بررسی این مسئله اهدافی را به شرح زیر دنبال می کند:

- تبیین ژئوپلیتیکی خاورمیانه.
- تبیین ژئوپلیتیکی ایران وعراق ونقش هر یک در خاورمیانه.
- تبیین راهکارهای بهره گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و عراق.
- شناسایی عوامل بحران زا در حوزه ژئوپلیتیکی ایران وعراق.
- یافتن راه‌حلهای کاربردی در خروج از بحرانهای ژئوپلیتیکی.

- شناسایی عوامل موثر در تثبیت موقعیت های سیاسی ایران و عراق.

۷. بررسی نقش سیاست خارجی ایران و عراق در روند تحولات سیاسی جهان و خاورمیانه در راستای حفظ ثبات سیاسی دو کشور.

چگونگی شکل گیری جغرافیای سیاسی
از دیدگاه علمی جغرافیای سیاسی دانشی نسبتاً پویاست. زیرا این علم بعد از انتشار کتاب سیاسی فردریک راتزل در سال ۱۸۹۸میلادی به عنوان شاخه‌ای مستقل از علم جغرافیای شناخته شد. ارسطو و استرابو از پیشگامان علم جغرافیای سیاسی می‌باشند که معتقد بودند بین قدرت و ضعف حکومت و عوامل از قبیل توازن جمعیت و وسعت کشور رابطه ای مستقیم وجود دارد. این خلدون(۱۴۰ تا۱۳۴۲هجری) نیز از فلاسفه مسلمان بود که در سیر این علم پیشرفت های زیادی نمود و به اکتشافات جغرافیایی و بررسی روابط انسان و محیط پرداخت و شخصیت داد که زندگی شهر و زندگی قبیله ای با هم در ارتباط هستند و مکمل یکدیگرند و با رشد اقتصادی و سرمایه داری این رابطه کامل تر و مستحکم تر شده است.

تعریف ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه روابط همکاری یا رقابت میان قدرتها بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می گذارد، یا امکاناتی که در این راستا می توان از محیط جغرافیایی گرفت.
مسئلا هدف یک قدرت از این روابط، ایجاد موازنه های رقابتی با قدرتهای دیگر برای تأمین امنیت در راستای حفظ منافع ملی و گستردن آن، با توجه به چگونگی بهره گرفتن از نقش امکانات جغرافیایی است. از این دیدگاه ویژه، ژئوپلیتیک را می توان هنر ایجاد موازنه قدرتی با رقیبان در سطح منطقه ای و جهانی در راستای تأمین امنیت، حفظ و گسترش منافع ملی در منطقه ای و جهانی دانست. (مجتبازاده ۱۳۸۱:۲۱).

رسالت



احمد خالقی – **کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی**

بحران های سرزمینی در حوزه ژئوپلیتیکی ایران و عراق

خشکی این کشور بود که برای دسترسی به سواحل جنوب ایران و تسلط بر اقیانوس هند و خارج شدن از یک تنگنای جغرافیایی این کشور را وادار می کرد که مرتب نسبت به همسایگان خود بویژه ایران حمله کند و هیچ مدرکی دال بر اینکه منطقه حامی را به عنوان سرحد قلمرو سرزمینی خود در نظر گرفته باشد، وجود ندارد.

یکی از موقعیت هایی که می توان در پیدایش بحران برای ایران نقش بسزا داشته باشد، موقعیت گذرگاهی آن است و حالتی است که یک کشور در کنار تنگه های مهم قرار داشته باشد. این تنگه ها هم از حیث نظامی و هم از نظر اقتصادی دارای اهمیت فراوان هستند. ایران دارای سه موقعیت است.

- متصل به موقعیت برای اروآسیاست.
- به سبب دارا بودن سواحل طولانی درخلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری برخوردار است.
- به لحاظ در اختیار داشتن تنگه استراتژیک هرمز دارای موقعیت گذرگاهی است.

جغرافیای عراق

عراق در همسایگی غرب ایران با ۴۳۳۹۷۰ کیلومتر مربع مساحت(به استثنای سهم عراق از نیمی از منطقه بی طرف ۳۲۵۰ کیلومتر مربع مشترک با عربستان سعودی) در آسیای جنوب غربی واقع شده و پایتخت آن بغداد است. جمعیت عراق تا سال ۲۰۰۰میلادی ۲۵۴ میلیون نفر برآورد شده است.۱

ژئوپلیتیک عراق

در تحلیل ژئوپلیتیکی عراق مسئله را در عوامل متغیر ژئوپلیتیکی و در اسان آن ترکیب جمعیت این کشورها باید جستجو کرد که وجود انسانهای مختلف در کین در حال

سه حادثه مهم در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷ در منطقه باعث گردید که جاه طلبی های رهبران عراق برای رسیدن به یک قدرت منطقه ای بیشتر تحریک شده و زمینه مناسبی برای رسیدن به این هدف فراهم کرد



بحران زا در این کشور است. در عراق یکی کردها که در مناطق مرتفع و نفتخیز عراق متمرکزند و دسته دوم، ساکنین جلگه های جنوبی عراق است که از لحاظ مذهبی با ایران وجه مشترکی دارند. این دو گروه هم د راسترازی های جهانی در رابطه با خاورمیانه و هم در استرازی های منطقه ای و محلی حائز اهمیت می باشند که به جهت وضعیت بیوگرافی حاکم بر مرز ایران و عراق در ۱۰۰ سال اخیر می پوندهای کرد ایران و عراق د رایجاد بحران های منطقه ای و محلی به اندازه ای موثر بوده است.

تعریف، مفهوم و ویژگیهای عمومی بحران
ریشه واژه crisis از کلمه یونانی krisis به معنی نقطه عطف point (Turning) مخصوص در مورد بیماری است و همچنین به معنی بروز زمان خطر در مورد مسائل سیاسی- اقتصادی است. در عین حال، بحران به عنوان ‘نقطه حساس’ (critical point) تلقی می شود که در نهایت ممکن است ناشی از یک تحول مناسب یا نامناسب باشد، مانند مرگ و زندگی- دشمنی و دوستی- تعادل و یا ناپایداری در روابط بین کشورها و غیره.
از نظر برداشت عمومی بحران عبارت است از به وجود آمدن شرایطی غیر معمول یا غیر متعارف در روند حرکت یک سیستم. به بیان دیگر، ‘بحران’ وضعیتی است ناپایدار که در آن تغییری ناگهانی در یک یا چند قسمت از عناصر متغیر نظم موجود ایجاد می گردد.
از دیدگاه سیستمی، هر ضربه شدید به نظام بین المللی

که آن را از حالت تعادل خارج سازد بحران نامیده می شود. در واقع زمانی که دسته ای از عناصر یک نظام مشخص بین المللی بر اثر دخالت یا اثر گذاری پاره ای از عوامل دچار ناسازگاری یا عدم تعادل شود، دفعتا نظم موجود برهم می خورد و کل سیستم دچار اختلال می گردد. معمولاً بحران را مترادف ‘درگیری’ نیز به کار می برند. به اعتقاد کار’ (Gurr-۱۹۸۰) ‘پدیده درگیری’ عبارت از کشش و واکنشهای آشکار و قهری گروه های رقیب می باشد. این تعریف هر گونه آشوب سیاسی، شورش، انقلاب و جنگ را دربرمی گیرد ولی مفهوم ‘بحران بین المللی’ در آن کمتر به چشم می خورد. اما به هر حال یک بحران بین المللی را می توان به عنوان تغییر وضعیتی تعریف کرد که با دو شرط اساسی همراه است:

دگرگونی در نوع و شدت کششها و واکنشها میان دو یا چند رقیب، همراه با احتمال درگیری نظامی، و نیز ستیز با ساختن موجود یک نظام بین المللی اعم از سیستم های جهانی، منطقه ای یا فرعی که از طریق کششها و واکنشهای بالاتر از حد معمول نشان داده می شود.

عمل همگرایی کردها نسبت به یکدیگر

عوامل همگرایی زیادی در جهت واکرایی اکراد نسبت به حکومتهای مرکزی کمک کرده است، از جمله: زبان، فرهنگ، اقتصاد، فراهم بودن زمینه مناسب جهت مشارکت کردها در اداره کشور و سرنوشت سیاسی آن، عدم وجود شبکه های ارتباطی، وضعیت بد معیشتی و اقتصادی و دلیل عدم سرمایه گذاری حکومتهای وقت در بخش های مختلف و بالاخره ریشه های تاریخی.

سه حادثه مهم در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۷ در منطقه باعث گردید که جاه طلبی های رهبران عراق برای رسیدن به یک قدرت منطقه ای بیشتر تحریک شود و زمینه مناسبی برای رسیدن به این هدف فراهم گردد.

قرارداد کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل که منجر به منزوی شدن مصر در جهان غرب و اسلام گردید و چون مصر مهمترین کشور جهان عرب به طور موقت نفوذ خود را از دست داد، لذا فضای بهتری برای مانورهای سیاسی عراق فراهم گردید.

انقلاب نظامی افغانستان از سوی شوروی سابق که مخالفت نسبی عراق با این تهاجم و اشغال را در پی داشت، اعتماد کشورهای غربی را بیشتر نسبت به این رژیم جلب کرد.

وقوع انقلاب اسلامی ایران که مهمترین حادثه برای بهم خوردن موازنه قدرت در منطقه و بویژه ایران و عراق بود، و عراق سعی کرد از آن سوءاستفاده کرده و با حمله به ایران، اعمال حاکمیت در شط العرب و خوزستان نماید.

منشا جغرافیایی بحرانها

از دیدگاه جغرافیا کلیه بحرانهای سیاسی دارای منشاء سرزمینی بوده و از علل تاریخی و جغرافیایی خاصی سرچشمه می گیرد. علی رغم اینکه هدف دولتهای درگیر همواره مبتنی بر گسترش قلمرو نفوذ و فراهم ساختن زمینه اعمال قدرت سیاسی مستقیم و یا غیرمستقیم بر یک سرزمین مشخص می باشد و تفکیک اهداف آنها معمولاً به دلیل چندمنظوره بودن به دشواری صورت می گیره، اما با توجه به دلایلی که هر یک برای شروع بحران عنوان می کند، می توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد:

- بحرانهایی که منشاء امنیتی داشته و مربوط به تأمین مرزهای سیاسی یکی از دولتهای درگیر می باشد. انگیزه بروز این گونه بحرانها یا ناشی از تهدید شدن امنیت یک کشور توسط دیگری است، یا ناشی از لزوم دستیابی یکی از آنها به موقعیتی ممتاز و برتر برای تأمین امنیت آینده قلمرو خود که طبعاً موجب به خطر افتادن امنیت طرف مقابل می گردد. این گونه بحرانها که بازتاب آن به سرعت انعکاس می یابد، از خطرناکترین و حادثترین بحرانهاست که چنانچه به سرعت حل و فصل نشود درگیری نظامی اجتناب ناپذیر می نماید. بحرانهایی از این نوع بسته به وسعت صحنه عملیات و کشورهای درگیر، اشکال گوناگونی به خود می گیرد که از استقلال جنوب لبنان و بلندیهای جولان توسط اسرائیل تا استقرار موشکهای اتمی شوروی در کوبا متفاوت است.

برخی از بحرانها نیز ناشی از اختلاف دو یا چند کشور بر سر منابع اولیه و مواد خام موجود در یک سرزمین حایل یا متمسک به یکی از آنهاست، مانند اختلافات عراق و کویت بر سر ذخایر نفتی ‘رومبله’ که منجر به اشغال خاک کویت توسط ارتش عراق و سپس بحران خلیج فارس شد. گاهی نیز کشوری مشخصاً با هدف وسعت بخشیدن به قلمرو جغرافیایی خود و اشغال بخشی یا تمامی سرزمین کشور دیگر با استناد به شواهد و مدارک تاریخی و قومی اقدام به ایجاد تنش و بحران می کند(کامپی، ۱۳۶۶:ص ۱۱۴).

ادامه دارد...

نگاه ساده

همبستگی کشمیر

مقاله وارده:از سال ۱۹۹۱ هر ساله مردم پاکستان روز پنجم فوریه را به عنوان روزی برای اعلام همبستگی با مردم کشمیر که از بیش از شش دهه قبل در راه دستیابی به حق تعیین سرنوشت خود به مبارزه و ایثارگری پرداخته اند پاس می دارند.

برای درک اهمیت برگزاری “روز همبستگی کشمیر” لازم است از تاریخچه اشغال کشمیر توسط هند که به تقسیم شبه قاره، پس از یک قرن حاکمیت انگلیس در سال ۱۹۴۷ بر میگردد مطلع گردیم، بر اساس قانون استقلال هند و طرح تقسیم مورخ ۳ ژوئن ۱۹۴۷ که در تاریخ ۱۸ جولای همان سال توسط پارلمان انگلیس به تصویب رسید هند تحت استعمار بریتانیا می بایست به دو کشور مستقل تقسیم گردد. مناطقی که از اکثریت هندو ها برخوردار بودند هند و ایالتهای غربی و شرق بنگال که از اکثریت مسلمانان برخوردار بودند جزء کشور پاکستان قلمداد می شدند.

بر اساس معیارهای این تقسیم، ایالتهای شاهزاده نشین می بایست با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی و جمعیتی یا به پاکستان و یا به هند ملحق گردند. کشمیر با داشتن ۸۷درصد جمعیت مسلمان گر ایش طبیعی به الحاق به پاکستان داشت اما اهداف شوم حاکم وقت کشمیر، مهاراجا هاری سینگ و کنگره ملی هند را هر ا برای نابود کردن آینده میلیونها تن از مردم کشمیر هموار ساخت. هند با پیاده کردن ارتش خود در کشمیر در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۷ و با نادیده گرفتن روح طرح تقسیم و بر خلاف خواستههای کشمیریها این



ایالت را اشغال نمود.

مردم کشمیر از همان روز اول اشغال غیر قانونی هند را نپذیرفتند و از آن موقع مشغول مبارزه آزادی خواهانه خود می باشند.

آنان نبرد مسلحانه ای را که از حمایت خیزش عمومی برخوردار بود آغاز کردند. در اول ژانویه ۱۹۴۸ هند به شورای امنیت سازمان ملل متحد رجوع کرد و این شورا در قطعنامه های خود که مورد پذیرش پاکستان و هند نیز بوده آتش بس، تعیین خط آتش بس، غیر نظامی کردن ایالت کشمیر را تصویب کرد و خواهان برگزاری یک همه پرسی آزاد و بی طرف از سوی سازمان ملل شد. تعیین خط آتش بس به تقسیم کشمیر در دو بخش جامو و کشمیر آزاد و کشمیر تحت اشغال هند منجر شد. هر اوله قطعنامه های سازمان ملل (آتش بس) که همانا آتش بس بوده است مورد اجرا قرار گرفت در حالی که غیر نظامی کردن این سرزمین و بر گزار ی همه پرسی تحت نظارت سازمان ملل تا به امروز اجرا نشده است.

تاسف بارترین جنبه مناقشه کشمیر این است که هند که خود این موضوع را به سازمان ملل ارجاع داده بود بعدا از وعده هایی که در مقابل جامعه بین المللی در خصوص حل و فصل مناقشه و دادن حق تعیین سرنوشت خویش به مردم کشمیر داده بود سر باز زد.

مردم این سرزمین اشغالی، پس از مشاهده ناکامی تمامی راههای حل و فصل مناقشه کشمیر در سال ۱۹۸۹(به منظور حبس حق تعیین سرنوشت خودخیزشی را آغاز کردند. این قیام هر روز قوت گرفت تا هندر ا وادار کند با پاکستان پشت میز مذاکره بنشیند. ولی متاسفانه با وجودی که پاکستان انعطاف قابل ملاحظه ای رادر مذاکرات صلح از خود نشان داد و یکبار سرسختانه هند همچنان به عنوان مانع بزرگی در راه حل و فصل مناقشه کشمیر باقی ماند. علی رغم تداوم مذاکرات صلح میان هند و پاکستان و آغاز اقدامات اعتماد ساز بین دو کشور در امتداد خط کنترل وضعیت در سرزمین اشغالی کماکان تغییری نکرده است.

پاکستان مکررا تاکید کرده است که هرگز هیچ گزینه ای را جهت حل و فصل مناقسه اساسی بین هند و پاکستان که بر خلاف خواست مردم کشمیر باشد مورد پذیرش قرار نخواهد داد. رئیس جمهور پاکستان، آصف علی زرداری و نخست وزیر این کشور، سید یوسف رضا گیلانی مکررا گفته اند که کشمیر متعلق به کشمیریها است و آنها تعیین کننده سرنوشت خویش هستند.

از نظر تاریخی به دلایل متعددی پاکستان و مردم پاکستان با کشمیری ها اعلام همبستگی می نمایند. عمده ترین دلایل عبارتند از: پیوندهای مشترک فرهنگی، عقیدتی، جغرافیایی و احساسی که برای قرن‌ها مردم این دو منطقه را به یکدیگر پیوند داده است. به علاوه مردم پاکستان به درستی احساس می کنند که کشمیر برنامه نا تمام تقسیم شبه قاره می باشد. مسئله اصلی کشمیر میان هند و پاکستان و پاکستان را با چهار جنگ و روبرو کرده و بخش عمده درآمد ملی را به سمت بودجه دفاعی صرف قائل داده است. رهبران جهان به ضرورت حل و فصل مناقشه کشمیر بین هند و پاکستان به منظور برحیل از هر گونه پیشامد که ممکن است به بروز فاجعه در منطقه منجر شود تاکید دارند.